****

[(مسألة 379): حکم رمی جمره در بخش جدید الاحداث موسع ارتفاعا و عرضا 1](#_Toc489198751)

[قول محقق خوئی ره 1](#_Toc489198752)

[قول مرحوم امام 1](#_Toc489198753)

[منشأ اختلاف در حکم 2](#_Toc489198754)

[اشکال ما به کلام محقق خویی ره 3](#_Toc489198755)

[اشکال ما به کلام آیت الله سیستانی 4](#_Toc489198756)

**موضوع**: رمی جمره /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## (مسألة 379): حکم رمی جمره در بخش جدید الاحداث موسع ارتفاعا و عرضا

**إذا زيد على الجمرة في ارتفاعها‌ ففي الاجتزاء برمي المقدار الزائد اشكال فالأحوط ان يرمي المقدار الذي كان سابقا فان لم يتمكن من ذلك رمي المقدار الزائد بنفسه و استناب شخصا آخر لرمي المقدار المزيد عليه و لا فرق في ذلك بين العالم و الجاهل و الناسي.[[1]](#footnote-1)**

### قول محقق خوئی ره

محقق خوئی احتیاط کرده که مقدار قدیم جمره رمی شود

### قول مرحوم امام

و برخی مثل مرحوم امام، رمی مطلق جمره را تجویز کرده اند

#### منشأ اختلاف در حکم

منشا این نزاع فقط این نیست که برخی مثل محقق خوئی این خطاباتی که حکم شرعی را مترتب بر اماکن و بلدان کرده، به نحو قضیه خارجیه می دانند و برخی مثل مرحوم امام به نحو قضیه حقیقیه می­دانند، زیرا برخی مثل آیت الله سیستانی و وحید قائل به قضیه حقیقیه هستند، اما در رمی جمره، رمی جمره قدیمه را واجب دانسته اند، آیت الله سیستانی که احتیاط واجب کرده، ولی آیت الله وحید نسبت به زیاده عرضیه، فتوا به وجوب رمی جمره قدیمه داده اند، در صورتی که امکان شناسایی موضع جمره قدیمه باشد و گرنه احتیاط واجب است که آن قدر سنگ به اطراف جمره جدید بزنند، تا مطمئن شوند که موضع جمره قدیمه رمی شده است، آیت الله سیستانی همین احتیاط را دارد، تا این که یا اطمینان حاصل شود و یا حرجی شود.

البته ما گفته ایم که اگر احتیاط لازم باشد، احتیاط تام به این است که بعد از حرجی شدن، برای ادامه رمی، نائب بگیرد.

مرحوم آیت الله بهجت در دیگر موارد احتیاطا قائل به قضیه خارجیه بودند، اما در جمره قائل به جواز رمی هر قسمتی از جمره بودند، چون رمی طبقه دوم را جایز می دانستند و شاید به این جهت باشد که رمی جمرات، رمز سنگ زدن به شیطان است، باید نمادی باشد که به آن سنگ بزنیم و تفاوتی نمی کند که موضع قدیم باشد یا نه.

محقق خوئی بر وجوب تعیینی رمی جمره قدیمه استدلال کرده به این که مسلما رمی ستونی که زمان شارع بوده که لازم نیست، زیرا حج واجب ابدی است، ولی عمر آن ستون ابدی نیست، بلکه باید ستونی که در جای آن ستون زمان شارع بناء شده، رمی کنیم.

در مصباح الناسک اشکال کرده اند که اگر واقعا جمره در زمان شارع از بین رفته، موضوع رمی جمره از بین رفته است، گرچه حج و همه واجبات، واجبات ابدی است، اما رمی جمره به شرط بقاء موضوع آن ابدی است و اصلا از کجا معلوم که بناء زمان شارع از بین رفته باشد؟ بلکه مطمئنیم که آن بناء از بین نرفته، و گرنه در تاریخ نقل می شد.

این مطالب عجیب است، زیرا حداقل دوبار ستون قبلی در زمان های اخیر تغییر کرده است، زیرا یک بار ستون یک متر در یک متر بود که ما هم آن را دیده بودیم، و لکن آن را برداشته اند.

به محقق خوئی نیز این اشکال وارد نیست، ایشان ادعاء می کند که یقین داریم و ظاهر دلیل هم همین است که رمی خصوص بناء قدیم لازم نیست.

#### اشکال ما به کلام محقق خویی ره

منتهی اشکال ما به محقق خوئی این است که چرا می گویید رمی موضع بناء قدیم، واجب تعیینی است؟

اگر اشکال به کسانی می کنید که معتقدند رمی جمره، قضیه حقیقیه است و می گویید قضیه خارجیه است، به این معنا که وقتی امام علیه السلام در زمان خود فرموده ارم جمرة العقبة، اطلاقی نسبت به توسعه آن بناء ندارد، این مطلب صحیحی است و ما هم معتقدیم که این خطابات، نسبت به توسعه های مستحدثه بعد از زمان شارع اطلاق ندارد و با اسم افراد قیاس نمی شود، وقتی بر روی شخصی اسمی می گذارند، اسم بر روی شخصیت گذاشته می شود که در معرض توسعه و بزرگ شدن است، اما اماکن که در معرض غالبی توسعه نیستند، بر خلاف شهرها.

اما اطلاق نداشتن یک بحث است و ظهور در وجوب رمی موضع قدیم داشتن، مطلب دیگری است، وقتی چنین ظهوری ندارد، باید به اصل برائت رجوع شود، این توسعه ها که مباین با جمره نیست تا گفته شود قطعا بناء منفصل از بناء قدیم مشمول خطاب نیست، بلکه فرض این است که همان جمره را توسعه داده اند و لذا دوران امر بین تعیین و تخییر می شود که ما و محقق خوئی قائل به برائت از تعیین هستیم، گرچه اصل به نظر مشهور، احتیاط است.

موید این مطلب این است که در زمان فعلی اصلا امکان رمی بخش قدیم جمره نیست، چون ستون قدیم محاط به دیوار ضخیم در اطراف است که طبق نقل ثقات، آن دیوار اصلا متصل به ستون هم نیست و نهایتا اگر به وسط جمره سنگ زده شود، به بخش اقرب به ستون قدیم رمی شده است، ولی رمی اقرب و ابعد فرقی نمی کند و لذا رمی به هر قسمتی از ستون مجزی است، حتی می شود به بخشی از جمره عقبه که از منی خارج است، رمی نمود، چون دلیل نداریم که باید جمره عقبه ای که در منی است را سنگ بزنیم.

لذا ما گرچه قائل به قضیه حقیقیه نیستیم، ولی قائلیم رمی هر بخشی از جمرات سه گانه مجزی و کافی است، چون برائت از تعیین را جاری می دانیم و حتی می شود از پشت، رمی جمره عقبه شود، چون دیگر لاترمها من اعلاها موضوع ندارد، البته قبلا دیوار سیمانی پشت جمره عقبه ساخته بودند، اما الان آن را نیز برداشته اند.

#### اشکال ما به کلام آیت الله سیستانی

اما این که آیت الله سیستانی اصرار دارند که موضع قدیم جمره، حدودا دو متر از سطح زمین بوده است و مازاد، بیشتر از ارتفاع جمره قدیمه است، ناصحیح است، زیرا؛

اولا: به نقل ثقابت، زمین جمره عقبه شیب داشته و به طرف بالا می رفته، یعنی حدود پنچ پله باید از سطح زمین بالا رفت تا به ابتداء ستون جمره عقبه رسی، و لذا نباید دو متر از زمین حساب کرد، بلکه باید حدود سه متر حساب کرد و جمره قدیمه را از بالاتر از زمین باید حساب کرد.

ثانیا: از کجا معلوم که جمره قدیمه در زمان شارع، به اندازه حدود دو متر بوده باشد؟ گرچه آن چه در عکس ها از جمره قدیم موجود است، همین طور است، اما معلوم نیست که در زمان شارع نیز چنین بوده باشد.

در تعالیق مبسوطه برای جواز رمی قسم مستحدث جمره چنین استدلال کرده اند که رمی جمره، شعار اسلامی به عنوان رمز نماد شیطان است و شاهد آن، صحیحه معاویة بن عمار است: وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ رَمَى الْجِمَارَ آدَمُ ع- وَ قَالَ أَتَى جَبْرَئِيلُ إِبْرَاهِيمَ ع- فَقَالَ ارْمِ يَا إِبْرَاهِيمُ فَرَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ- وَ ذَلِكَ أَنَّ الشَّيْطَانَ تَمَثَّلَ لَهُ عِنْدَهَا.[[2]](#footnote-2)

روایت علی بن جعفر: وَ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَمْيِ الْجِمَارِ لِمَ جُعِلَتْ- قَالَ لِأَنَّ إِبْلِيسَ اللَّعِينَ كَانَ يَتَرَاءَى لِإِبْرَاهِيمَ ع- فِي مَوْضِعِ الْجِمَارِ فَرَجَمَهُ إِبْرَاهِيمُ ع فَجَرَتِ السُّنَّةُ بِذَلِكَ.[[3]](#footnote-3)

از این روایات استفاده می شود که مکان و بناء خصوصیت ندارد و مهم است که به نماد شیطان در آن منطقه سنگ زده شود.

ولی به نظر ما این دلیل کافی نیست، زیرا شاید این جهات، حکمت باشد از برای وجوب رمی خصوص جمره عقبه قدیمه.

برخی نیز گفته اند که حضرت آدم 60 ذراع، قد داشته است و مناسب است که شیطان هم که برای او ظاهر شده است، به قد حضرت آدم ظاهر شود، پس لابد حضرت آن به شیطان 60 ذراعی سنگ زده است و خصوصیت ندارد که ما دو متر ابتداء زمین را رمی کنیم.

اما این مطلب خیلی عجیب است، بر فرض که قد حضرت 60 ذراع بوده باشد، چه دلیل می شود که شیطان نیز هم قد او بوده باشد و یا چه اشکال دارد که به پایین شیطان سنگ بزند.

1. [. مناسک الحج، الموسوي الخوئي، ج1، ص 165](http://lib.eshia.ir/21006/1/165) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 264؛ 4 باب وجوب رمي الجمار و حكم من تركه ؛ ج 14، ص : 263](http://lib.eshia.ir/11025/14/264) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 263؛ 4 باب وجوب رمي الجمار و حكم من تركه ؛ ج 14، ص : 263](http://lib.eshia.ir/11025/14/263) [↑](#footnote-ref-3)